

فریب در ازدواج (تدلیس)

امروزه یکی از مشکلات میان زوج‌های جوان که به واسطه‌ی آن کانون‌های خانوادگی در همان سال‌های اول از هم می‌پاشد، نبود صداقت و فریب‌خوردن یکی از طرفین یا اصطلاحاً فریب در ازدواج است که حجمی از پرونده‌های دادگاه خانواده را به خود اختصاص می‌دهد. با توجه به پرونده‌های موجود در دادگاه‌ها بیشتر فریب‌هایی که از جانب آقایان صورت گرفته، دروغ در بیان داشتن تحصیلات عالی، شغل مناسب و یا حتی ادعای فرزند یکی از خانواده‌های معروف بودن است و در مقابل فریب‌هایی که از جانب خانم‌ها صورت گرفته اکثراً مبتنی بر پنهان کردن ازدواج در گذشته است که با آشکار شدن این موارد، فریب‌خورده شکایت خود را تحت عنوان فریب در ازدواج به دادگاه ارائه می‌دهد.^۱

تدلیس: عبارت از عملیاتی است که زن یا مرد یا شخص ثالثی انجام داده و موجب فریب در امر ازدواج شود که طبق قانون جرم محسوب شده و فریب‌دهنده به مجازات خواهد رسید.^۲

همانطور که می‌دانید عقد نکاح دائم یا به وسیله طلاق و یا فسخ نکاح منحل می‌گردد. گاهی یکی از طرفین بیماری داشته که در زمان عقد آن را مخفی داشته و یا وجود صفتی که مورد نظر طرف مقابل بوده در خود وانمود نماید خواه این مانور به صورت عمل باشد خواه به صورت نوشته یا لفظ، نظیر ارائه گواهی جعلی صحت مزاج^۳ که این هم حق فسخ برای طرف فریب‌خورده می‌آورد و آثار و پیامدهای حقوقی ویژه‌ای دارد که با عنوان «تخلف از شرط صفت» در قانون مدنی مطرح است. همچنین این مسأله جرم محسوب شده و در قانون برای آن مجازات هم در نظر گرفته شده است.

مواردی که فریب در ازدواج محسوب شده و باعث ایجاد حق فسخ می‌شود:

اگر هر یک عیوب ذیل حین عقد در مرد بوده و زن از آن بی‌خبر بوده است:

۱- جنون (دیوانگی) ۲- خصاء (بیماری جنسی) ۳- عنن به شرط اینکه ولو یکبار عمل زناشویی را انجام نداده باشد. ۴- مقطوع بودن آلت تناسلی به اندازه‌ای که قادر به عمل زناشویی نباشد.^۴

و اگر هر یک از عیوب ذیل حین عقد در زن بوده ولی مرد از آن بی‌خبر بوده است:

۱- جنون (دیوانگی) ۲- قرن (بیماری جنسی) ۳- جذام (بیماری پوستی) ۴- برص (بیماری پوستی) ۵- افضاء (بیماری جنسی) ۶- زمین‌گیری ۷- نابینائی از هر دو چشم^۵

هر گاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد معلوم شود که طرف مذکور آن وصف را نداشته برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد به صراحت بیان شده یا عقد متبایناً بر آن واقع شده باشد.^۶

۱ - www.ensaf.blogfa.com

۲ - ماده ۴۳۸ قانون مدنی و ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی

۳ - www.dadkhahi.net

۴ - ماده ۱۱۲۱ و ۱۱۲۲ قانون مدنی

۵ - ماده ۱۱۲۳ قانون مدنی

۶ - ماده ۱۱۲۸ قانون مدنی

شرط کردن صفت به صورت‌های زیر محقق می‌شود:

۱- بیان صفت به صراحت در ضمن عقد، ذکر شود. مثلاً وکیل زوجه می‌گوید: « موکل خود خانم را به عقد ازدواج آقای دکتر با مهریه در آوردم.»

۲- مشخص شدن دختر یا پسر، قبل از عقد به صفتی خاص که عقد هم مبتنی بر آن صفت واقع گردد، مانند آنکه دختر و پسر قبل از عقد برای یکدیگر نامه بنویسند و پسر در انتهای نامه با عنوان دکتر ... امضا نماید، یا در صحبت‌های قبل از عقد، دختر یا پسر خود را به دروغ دارای اوصاف خاصی معرفی کنند.

۳- در مورد صفت هیچ گفتگویی نمی‌شود، ولی بر حسب عرف و عادت عقد بر وجود وصف خاصی نسبت به دو طرف منعقد می‌گردد؛ مثلاً اگر پسر یا دختر مطلبی در مورد بیماری خود نگویند، قضاوت عرف بر آن است که لزوماً سالم هستند و دارای بیماری خاص و مهمی نمی‌باشند.

بر حسب انواع شرط صفت فوق، تخلف از شرط صفت به صورت‌های مختلفی محقق می‌شود، از قبیل:

۱- به دروغ صفت کمالی را به خود نسبت می‌دهد یا نقصی را از خود دور می‌کند. مثلاً فردی خود را مهندس معرفی کند.

۲- در عمل برخلاف واقع کاری انجام دهد که در پی آن صفت کمالی را به خویش نسبت دهد یا نقصی را از خود دور کند. مانند: آنکه فردی کچل، در مراسم خواستگاری و عقد از گیسوی مصنوعی استفاده نماید.

۳- با سکوت پرده بر روی نقص خویش گذاشته یا تصور دیگران از کمال خویش را مورد تأیید قرار دهد.

که این وجه به چند حالت قابل تصور است:

الف) فرد نسبت به نقص خویش جاهل باشد، مانند: فرد عقیم یا انسان مبتلا به ایدز که خودش نیز از وجود این بیماری در بدنش اطلاعی ندارد، لذا خود را سالم می‌پندارد و طرف مقابل هم تصور می‌کند که با فرد سالمی ازدواج کرده است.

ب) فرد نسبت به نقصی که مخفی است و بدون اظهار آن نمی‌توان نسبت به آن مطلع شد، سکوت می‌کند. مانند: ابتلا به بیماری سرطان یا عارضه قلبی.

ج) فرد به عیب خود علم دارد و نقص هم ظاهر می‌باشد، لذا سکوت از عیب به معنای کتمان آن نمی‌باشد، ولی فرد متقاضی ازدواج کوتاهی کرده و در مورد آن دقت و تحقیق ننموده است، لذا به دلیل کوتاهی خویش، تصوری خلاف واقع نسبت به طرف مقابل پیدا نموده است.

از انواع فوق، مواردی که فرد به دروغ صفتی را برای خویش بیان کند یا عیب ظاهری را خلاف واقع نشان دهد یا نسبت به عیب مخفی خود که از آن اطلاع دارد، سکوت نماید، سبب فریب گردیده و به عبارت دیگر طرف مقابل در این نکاح مورد «تدلیس» واقع شده است. بنابراین در تمامی موارد تخلف از شرط صفت، تدلیس محقق نمی‌گردد، بلکه

زمانی تدلیس به حساب می‌آید که قصد فریب و گول زدن لحاظ شده باشد. در هر حال در موارد تخلف از شرط صفت نیز به استناد ماده ۱۱۲۸ عقد قابل فسخ خواهد بود.^۷

مجازات

در مقابل فریب در ازدواج دو راهکار وجود دارد. فرد فریب‌خورده یا می‌تواند از طریق کیفری شکایت کند که در این صورت ۶ ماه الی ۲ سال حبس تعیین می‌شود^۸ یا می‌تواند اقدام حقوقی کرده تقاضای حق فسخ کند. فسخ ازدواج تشریفات خاص طلاق را ندارد و فریب‌خورده می‌تواند به راحتی نکاح را فسخ کند.

اختیار فسخ فوری است^۹ بدین معنی که طرفی که حق فسخ دارد بعد از اطلاع نکاح را فسخ نکند این حق او ساقط می‌شود البته به این شرط که علم به این حق فسخ و علم به فوریت آن داشته باشد. تشخیص مدتی که برای امکان استفاده از این حق لازم بوده به نظر عرف و عادت است. اگر آگاهی فرد فریب‌خورده بعد از رابطه زناشویی باشد، وی می‌تواند علاوه بر فسخ نکاح از عامل فریب مهریه را باز پس گیرد. دادگاه در صدور حکم مجازات مجاز است که میزان حبس را بر میزان حداقل یا حداکثر تعیین کند ولی همین دادگاه می‌تواند به لحاظ جهات مخففه یعنی با توجه به این که فرد فریب‌دهنده جوان بوده و دارای سوء سابقه نیست، جریمه را حتی تا میزان ۵۰ هزار تومان تخفیف دهد یعنی کاملاً بستگی به دادگاه دارد که میزان حبس و مجازات را به چه حدی تعیین کند.

سوالات متداول:

آیا می‌توان اشخاص ثالث را نیز در این خصوص متهم نمود؟

رویه مشخصی موجود نمی‌باشد به عنوان مثال زوج با فریب زوجه مبنی بر اینکه دارای تحصیلات عالی می‌باشد با نام برده ازدواج نموده و پس از اطلاع زوجه از این امر، وی علیه زوج و پدر وی اقدام به شکایت نموده و مدعی می‌گردد که پدر زوج از این امر قطعاً مطلع بوده و با سکوت خود موجبات تسهیل عمل مجرمانه را فراهم نموده است که البته چنانچه سوء نیت پدر زوج اثبات گردد می‌توان با عنوان تبانی یا مباشر معنوی از نامبرده اقدام به شکایت نمود. معاونت در جرم تدلیس هم قابل طرح و هم قابل بررسی در مراجع قضایی است.

پرسش این است: هر گاه تدلیس به وسیله شخص ثالثی واقع گردد؛ چنانکه، پدر یا مادر پسر یا دختر، یا واسطه ازدواج، صفاتی برخلاف واقع برای همسر یا شوهر ذکر کرده و طرف دیگر را فریب داده باشد، آیا فریب خوره حق فسخ خواهد داشت؟ قانون مدنی در این مورد ساکت است. بعضی از استادان حقوق تدلیس به وسیله ثالث را موجب

^۷ - www.Iranpress.ir

^۸ - ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی

^۹ - ماده ۱۱۳۱ قانون مجازات اسلامی

حق فسخ برای طرف مقابل دانسته اند. تبانی یکی از زوجین با شخص ثالث در تدلیس به منزله آن است که خود او مرتکب تدلیس شده است و در این صورت با توجه به ماده ۱۱۲۸ ق.م.می توان گفت: صفت خاصی که یکی از زوجین برخلاف واقع واجد آن قلمداد شده به طور ضمنی وارد قلمروی قرارداد شده و وقوع عقد مبتنی بر آن بوده است.^{۱۰}

صرف سکوت هر یک از طرفین و در نتیجه در اشتباه گذاردن طرف مقابل در این خصوص جرم می- باشد یا خیر؟

به عنوان مثال شخصی که ازدواج قبلی خود را به طرف مقابل اعلام ننموده و با سکوت خود موجبات عدم اطلاع طرف دیگر را از این امر باعث گردد آیا مصداق تدلیس در نکاح می باشد یا خیر؟ به نظر می رسد مورد از موارد تدلیس در نکاح می باشد و اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در نظریات مختلف خود این امر را تأیید نموده است. در قانون آمده چنانچه هر یک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی، تمکن مالی، موقعیت اجتماعی، شغل و سمت خاص، تجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هر یک از آنها واقع شود.....^{۱۱}، مصداق واهی بودن موارد اعلامی طرفین نیز عرف می باشد یعنی هر آنچه که در عرف به عنوان امر واهی بوده و طرف واجد آن نباشد مشمول قانون می گردد.

نکته: هر گاه نکاح ناشی از تدلیس باشد فریب خورده می تواند طبق قواعد مسئولیت مدنی از فریب دهنده مطالبه خسارت کند؛ اعم از این که فریب دهنده یکی از زوجین یا شخص ثالث باشد و اعم از اینکه همسر فریب خورده از حق فسخ استفاده کند یا نه. بنابراین هر گاه شوهر در اثر تدلیس با زنی غیر باکره ازدواج کند و از حق فسخ نخواهد یا نتواند استفاده کند می تواند تفاوت بین مهر باکره و غیر باکره را به عنوان خسارت از فریب دهنده به عنوان خسارت بگیرد و اگر مهر نداده و فریب دهنده خود زن است می تواند مابه التفاوت را از مهر کسر و بقیه را به زن بپردازد. بنابراین اگر دختری به واسطه صدمه ای بکارت خویش را از دست داد، در حالی که از آن بی خبر است، در این حالت به یقین تدلیس واقع نشده است؛ ولی اگر دختری مرتکب بی عفتی شود و باکره نباشد سکوت او در مقابل خواستگار نوعی تدلیس محسوب می شود. چرا که عرفاً پسری که به خواستگاری دختری می رود می پندارد که دختر در گذشته با مردی ارتباط جنسی نداشته است.^{۱۲}

مرد و زنی با هم ازدواج می نمایند بعد از وقوع نکاح کاشف به عمل می آید که زن باکره نبوده است آیا برای مرد حق فسخ نکاح وجود دارد یا خیر؟

^{۱۰} - www.dadkhahi.net
^{۱۱} - ماده ۶۷۴ قانون مجازات اسلامی
^{۱۲} - www.dadkhahi.net

پاسخ: چون در عقد نکاح دختر اصل باکره بودن است در واقع صفت باکره بودن در ازدواج با دختر شرط اصلی صحت عقد نکاح است در قانون هم به این موضوع اشاره شده بدین توضیح هر گاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده باشد و پس از عقد معلوم شود که طرف فاقد وصف مورد نظر بوده برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود خواه وصف مذکور در عقد تصریح شده یا خیر. زیرا در ازدواج با دختر شرط باکره بودن مستتر است و موردی برای تصریح وجود ندارد.^{۱۳}

زنی شوهر را فریب داده و بعد از نکاح و نزدیکی، مرد از تدلیس آگاه شده و نکاح را فسخ می کند. آیا می تواند مهری را که به زن داده است از او پس بگیرد یا اگر نداده است از دادن آن خودداری کند؟

پاسخ: می دانیم با تحقق نزدیکی زن مستحق تمام مهر می شود لکن از آن جا که پرداخت مهر برای آن بوده که شوهر زنی را فاقد نقص یا واجد صفت کمالی که منظور او بوده بگیرد، پس از فسخ نکاح به علت تدلیس، شوهر می تواند به عنوان خسارت مهری را که به زن داده است پس بگیرد و یا اگر نداده است از پرداخت آن خودداری کند. بعضی در این مورد برای زن کمترین مهر امثال او را قائل شده اند. بعضی دیگر گفته اند: چون نزدیکی واقع شده کمترین چیزی که می تواند مهر قرار گیرد و به عبارت دیگر کمترین چیزی که عنوان مال بر آن صدق می کند به زن داده می شود و بقیه به شوهر بر می گردد. این نظر قول مشهور فقهای امامیه می باشد.

مهریه

فسخ نکاح قبل از نزدیکی:

در تمام مواردی که نکاح قبل از نزدیکی فسخ شود زن حق مهر ندارد، به جز یک صورت که آن عبارت است از آنکه نکاح به علت وجود عنن (ناتوانی جنسی زوج) فسخ گردد که در این صورت زن مستحق نصف مهر است.

فسخ نکاح پس از نزدیکی:

(۱) هر گاه زن مرد را در ازدواج فریب دهد و مرد پس از نزدیکی به عیوب واقف گردد چنانچه مرد از حق خود استفاده ننماید باید تمامی مهر را بپردازد ولی در صورت اعمال حق و انحلال نکاح زوجه مستحق مهریه نمی باشد و اگر قبلاً پرداخت نموده می تواند پس بگیرد.

۲) اگر فریب‌دهنده زن نباشد بلکه کسان او یا واسطه‌ای دیگر باشد مرد می‌تواند مهریه پرداخته به زن را از فریب‌دهنده مطالبه نماید.

عده فسخ نکاح

عده فسخ نکاح همانند عده طلاق سه طهر است، مگر اینکه زن با اقتضای سن، عادت زنانگی نبیند که در این صورت عده او سه ماه است.^{۱۴} و در زمان عده فسخ نکاح زوج حق رجوع ندارد.

چگونگی طرح دعوا:

دادخواست فریب در ازدواج باید به دادگاه خانواده هر شهرستان ارائه شود.

در مورد فسخ نکاح به دو نحو می‌توان طرح دعوا کرد:

الف: ابتدا به محض اطلاع از موجبات فسخ، عقد را خود ذی‌حق فسخ نماید و به موجب اظهارنامه مراتب اعمال اراده خود را به طرف مقابل اطلاع دهد. سپس با تقدیم دادخواست به دادگاه صدور حکم بر تأیید فسخ را طلب کند. در این حالت از تاریخ اعمال اراده ذی‌نفع، عقد فسخ شده محسوب می‌شود و حکم دادگاه تنها کاشف از این است که اعمال حق فسخ در تاریخ مذکور به درستی انجام شده است. توجه به این نکته ضروری است که رویه قضایی دادخواست به خواسته فسخ را پذیرفته و حکم به فسخ صادر می‌کنند. در صورتی که مرد بیماری عنن داشته باشد، زوجه شخصاً حق فسخ نکاح را ندارد بلکه باید به حاکم رجوع کند. دادگاه از تاریخ مراجعه زوجه به دادگاه، یک‌سال مهلت تعیین می‌نماید، چنانچه زوج در مدت مزبور قدرت جنسی خود را به دست آورد، اعم از اینکه با زن مزبور یا زن دیگری قدرت همبستری پیدا کرد برای زوجه حق فسخ نکاح نخواهد بود.

ب) بدون فسخ عقد با تقدیم دادخواست به دادگاه با برشماری موجب فسخ نکاح، صدور حکم بر فسخ عقد را طلب کند. در این صورت زمانی عقد فسخ می‌شود که رأی دادگاه بر فسخ صادر شود و قطعی گردد تا این زمان عقد معتبر و تأثیر گذار بوده و حقوق و تکالیف زوجین نسبت به هم پابرجا است.

ضمن دادخواست به تأیید فسخ، می‌توان صدور حکم بر اموری چون استرداد جهیزیه، مطالبه مهریه در صورت وقوع نزدیکی، مطالبه نفقه ایام گذشته، ثبت در سند نکاحیه و اسناد سجلی و... را مطالبه کرد تا گرفتار روند دادرسی طولانی دیگری نشد.^{۱۵}

^{۱۴} - ماده ۱۱۵۱ قانون مدنی

^{۱۵} - موسوی مقدم - محمد - راهنمای دعاوی خانوادگی - معاونت آموزش دادگستری کل استان قم - قم - وزارت دادگستری، دادگستری کل استان قم ۱۳۸۶ صفحه ۸۳

هنگام ورود به دادگاه بهترین راه برای کسب اطلاعات حقوقی، مراجعه به واحد مشاوره است. در این محل افرادی به عنوان وکیل و مطلع شما را به شکل رایگان راهنمایی می‌کنند. پس از مشورت با این وکلا، می‌توانید یقین حاصل کنید که تا چه حد شکایتی که می‌خواهید مطرح کنید، می‌تواند به نتیجه مثبتی برسد. در این مرحله و پس از تصمیم نهایی برای شکایت باید به واحد تنظیم دادخواست مراجعه کنید. در این محل برای هر نوع شکایتی لایحه آماده و تایپ شده‌ای وجود دارد که در مقابل مبلغ بین یک هزار تا دو هزار تومان در اختیار شما قرار می‌گیرد. لایحه دادگاه از یک برگ تشکیل شده و پس از تکمیل شدن باید به انضمام اسناد و مدارک مورد نیاز که بیشتر فتوکپی شناسنامه و عقدنامه است به واحد نقش تمبر ارائه شود.

در این بخش روی لوایح متناسب با هر لایحه تمبر زده می‌شود. پس از آن شما باید از لایحه خود فتوکپی تهیه کنید. نسخه اصلی شکایت در پرونده باقی می‌ماند و نسخه دوم نیز از سوی دادگاه برای طرف شما ارسال می‌شود. پس از طی این مراحل پرونده شما از سوی فردی از مسئولان دادگاه بررسی می‌شود و بعد از تایید مدارک و اطمینان از تکمیل بودن آنها، پرونده به واحد رایانه می‌رود تا اطلاعات آن در این مکان ثبت شود. سپس پرونده به معاونت ارجاع می‌رود. در این مرحله پرونده شما به یکی از شعبه‌های دادگاه ارسال می‌شود. از این پس تمام پرونده‌های شما و پرونده‌هایی که همسران علیه شما طرح کند، در همان شعبه رسیدگی می‌شود، البته در خود شعبه نیز پرونده از جهات مختلفی بررسی می‌شود تا یک وقت مدارک پرونده کم و کسر نباشد. نکته قابل توجه دیگر این است که همسران برای شکایت از یکدیگر در دادگاه نیاز به فتوکپی عقدنامه دارند، در زمانی که اختلافی میان همسران شکل می‌گیرد، طبیعتاً امکان دسترسی به عقدنامه از سوی یکی از دو طرف وجود ندارد. برای این مساله قانون پیش‌بینی لازم را هم انجام داده و آن اینکه هر کدام از همسران می‌توانند به جای کپی عقدنامه، رونوشت عقدنامه را به دادگاه ارائه کنند. رونوشت عقدنامه نیز در محضری که سند ازدواج در آن تنظیم شده به هر یک از دو طرف داده می‌شود و به دست آوردن آن بسیار ساده است.^{۱۶}

نمونه فرم دادخواست

درخواست تأیید فسخ

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	شغل	آدرس:
خواهان				
خوانده				
وکیل یا نماینده قانونی				
تعیین خواسته و بهای آن	تأیید فسخ نکاح			
دلایل و منضمات دادخواست	۱- عقدنامه ی شماره ی ... ۲- گواهی پزشکی قانونی / معالج- ۳- شهادت کتبی گواهان و ...			
شرح دادخواست				
<p>باسمه تعالی ریاست محترم دادگاه های عمومی با سلام</p> <p>احتراماً به استحضار عالی می رسانم به موجب عقدنامه ی شماره ی ... در تاریخ ... با خوانده ازدواج دائم نمودم لیکن اخیراً متوجه وجود عیب ... در وی شده ام. با توجه به این که با وجود عیب مذکور ادامه ی زندگی مشترک با وی برای اینجانب دشوار شده است به قید فوریت از تاریخ اطلاع عقد را در تاریخ ... فسخ و مراتب را به وسیله ی اظهارنامه ی شماره ی ... مورخ ... به خوانده ی محترم ابلاغ نمودم. بنا به مراتب با توجه به ۱- گواهی پزشکی معالج- ۲- گواهی کتبی گواهان مطلع از امر- ۳- مفاد پرونده ی کیفری شماره ی ... ۴- تصویر اظهارنامه ی ارسالی مستند به ماده ی (۱۱۳۱) در مورد عیوب مرد) یا (۱۱۳۲) در مورد زن) یا (۱۱۳۱) در مورد جنون زوجین) صدور حکم مبنی بر تأیید فسخ را خواهانم.</p>				
شماره و تاریخ ثبت دادخواست	شعبه دادگاه عمومی	رسیدگی فرماید.		
شماره	نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده	امضاء		
تاریخ	تاریخ	امضاء		

درخواست فسخ نکاح به سبب جنون

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	شغل	آدرس:
خواهان				
خوانده				
وکیل یا نماینده قانونی				
تعیین خواسته و بهای آن	تقاضای فسخ نکاح به لحاظ جنون.			
دلایل و منضمات دادخواست	۱- گواهی پزشکی قانونی / معالج- ۲- عقدنامه ی شماره ی ... ۳- شهادت کتبی گواهان- ۴- پرونده ی کیفری ...			
شرح دادخواست				
<p>باسمه تعالی ریاست محترم دادگاه های عمومی سلام علیکم</p> <p>نظر به این که طبق عقدنامه ی شماره ی ... صادره از دفتر رسمی ثبت ازدواج شماره ی ... اینجانب و خوانده در تاریخ ... ازدواج رسمی و دائمی نموده ایم که متأسفانه بعد از عروسی / قبل از عروسی متوجه جنون ادواری / مستمر خوانده شده ام و با توجه به فتوایی مصدق گواهی پزشکی (پزشک معالج / پزشک قانونی) و این که ادامه زندگی مشترک با نامبرده غیر ممکن می باشد ((لذا به استناد ماده ی ۱۱۳۱ قانونی مدنی تقاضای رسیدگی و صدور حکم بر فسخ نکاح را دارم.))</p>				
شماره و تاریخ ثبت دادخواست	شعبه دادگاه عمومی	رسیدگی فرماید.		
شماره	نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده	امضاء		
تاریخ	تاریخ	امضاء		

درخواست فسخ نکاح

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	شغل	آدرس:
خواهان				
خوانده				
وکیل یا نماینده قانونی				
تعیین خواسته و بهای آن	صدور حکم مبنی بر فسخ عقد نکاح			
دلایل و منضمات دادخواست	۱- عقدنامه ی شماره ی ... ۲- گواهی پزشکی معالج / قانونی- ۳- شهادت کتبی گواهان...			
شرح دادخواست				
<p>باسمه تعالی ریاست محترم دادگاه های عمومی...</p> <p>با سلام</p> <p>به استحضار می رسانم اینجانب به موجب عقدنامه ی شماره ی ... در تاریخ ... با خوانده ی محترم ازدواج نموده ام. لیکن اخیراً متوجه وجود عیب ... در وی شده ام. با توجه به این که با وجود عیب مذکور ادامه ی زندگی مشترک با وی برای اینجانب دشوار است به قید فوریت از تاریخ اطلاع از این عیب / اطلاع از داشتن حق فسخ، با تقدیم این دادخواست مستند به ماده ی ۱۱۳۲ (اگر خوانده مرد باشد) / ۱۱۳۱ (اگر خوانده زن باشد) در خواست صدور حکم بر فسخ نکاح را دارم.</p>				
شماره و تاریخ ثبت دادخواست	شعبه دادگاه عمومی	رسیدگی فرماید.		
شماره	نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده	امضاء		
تاریخ	تاریخ	امضاء		

صدور حکم بر تأیید فسخ نکاح به سبب جنون + مهریه

مشخصات طرفین	نام	نام خانوادگی	شغل	آدرس:
خواهان				
خوانده				
وکیل یا نماینده قانونی				
تعیین خواسته و بهای آن	صدور حکم بر تأیید فسخ نکاح به سبب جنون + پرداخت مهریه + هزینه دادرسی			
دلایل و منضمات دادخواست	۱- گواهی پزشکی معالج / قانونی ۲- عقدنامه شماره ی ... ۳- شهادت شهود ۴- پرونده ی کیفری ه- اظهارنامه ...			
شرح دادخواست				
<p>باسمه تعالی ریاست محترم دادگاه های عمومی با سلام</p> <p>۱- اینجانب طبق سند نکاحیه ی شماره ی ... تنظیمی در دفتر رسمی ازدواج شماره ی ... به عقد زوجیت دائم خوانده درآمده ام. ۲- مدتی پس از انعقاد نکاح متوجه وجود اختلال در اعمال و رفتار وی شدم. پس از مراجعات متعدد به پزشکان متخصص متوجه شده ام که نامبرده دارای جنون مستمر / ادواری می باشد. ۳- اینجانب به هنگام انعقاد عقد نکاح اطلاعی راجع به موضوع مذکور نداشته ام. ۴- با توجه به این که اینجانب به مدت ... سال / ماه با خوانده زندگی مشترک داشته ام بین ما نزدیکی واقع شده است. ه- اینجانب در نزدیکترین زمان پس از اطلاع از مجنون بودن همسر / داشتن حق فسخ عقد را فسخ و اراده خود را مبنی بر فسخ به موجب اظهارنامه ی شماره ی ... مورخ ... به خوانده اطلاع داده ام.</p> <p>اینک مستند به ماده ۱۱۳۱ و مفهوم مخالف ماده ۱۱۰۱ قانون مدنی صدور حکم بر تأیید فسخ نکاح از تاریخ ارسال اظهارنامه و محکومیت خوانده به پرداخت مهریه و هزینه دادرسی را دارم.</p>				
« در مورد چگونگی تنظیم دادخواست در خصوص مطالبه مهریه به بخش مربوطه مراجعه شود »				
شماره و تاریخ ثبت دادخواست	شعبه دادگاه عمومی	رسیدگی فرماید.		
شماره	نام و نام خانوادگی مقام ارجاع کننده	امضاء		
تاریخ	تاریخ	امضاء		

شیوه دفاع:

در مواردی شخص ذی نفع، علیرغم آگاهی به وجود عیب در همسرش اقدامی در جهت فسخ نکاح نمی کند. در این حالت به علت عدم استفاده فوری از حق فسخ، این حق فسخ ساقط می شود و خواننده دعوی فسخ می تواند به این امر استناد کند و برای اثبات تاریخ اطلاع همسر نیز می تواند به گواهی پزشک معالج نیز گواهی خواهان استناد کند.

خواننده دعوی فسخ می تواند با استناد به نظریه پزشک معالج یا درخواست معرفی به پزشکی قانونی اثبات نماید که امری که خواهان آن را موجب فسخ دانسته است بیماری قابل درمان است و عیب نیست.

خواننده دعوی فسخ با استناد به دلایلی که مهمترین آن نظر پزشک معالج است یا طلب معرفی به پزشک قانونی می تواند ثابت نماید که عیب انتسابی در وی وجود ندارد یا ثابت کند عیب انتسابی در زمان عقد در وی موجود بوده و همسرش به وجود آن عالم بوده است.

لایحه دفاعیه: اطلاع خواهان از وجود عیب قبل از عقد

ریاست محترم شعبه ...

با سلام

احتراماً در پاسخ به دعوی مطروحه علیه اینجانب در پرونده شماره به استحضار می رسانم با توجه به این که خواهان مدعی وجود عیب ... در اینجانب شده و بر این اساس درخواست فسخ عقد نکاح را نموده است به استحضار می رسانم ایشان قبل از انعقاد عقد نکاح کاملاً به این امر آگاه بوده و با این وجود حاضر به ازدواج با اینجانب شده است و برای اثبات ادعای خود به گواهی آقایان ... استناد می کنم. لذا مستند به ماده ۱۱۲۶ قانون مدنی صدور حکم بر رد دعوی خواهان مورد استدعا است.

لایحه دفاعیه: بیماری

ریاست محترم شعبه ...

با سلام

احتراماً با توجه به این که خواهان در پرونده شماره ... مدعی شده است که اینجانب دارای جنون / ... هستم. به استحضار عالی می رسانم اینجانب به موجب نظریه مورخ ... پزشک معالج دارای بیماری ... هستم که نوعی بیماری اعصاب و روان است که تحت درمان قرار دارم و این بیماری به هیچ وجه جنون / ... نبوده و آثار آن را ندارد تا خواهان مستحق فسخ نکاح باشد. لذا مستند به ماده ۱۱۲۱ / ... قانون مدنی صدور حکم بر رد دعوی خواهان مورد استدعا است.

لایحه دفاعیه: حدوث عیب بعد از عقد

ریاست محترم شعبه...

با سلام

احتراماً در پاسخ به دعوای موضوع پرونده شماره ... که طی آن خواهان با استناد به وجود عیب ... در اینجانب درخواست فسخ عقد نکاح را نموده است به استحضار عالی می‌رسانم اینجانب در تاریخ ... به موجب سند نکاحیه شماره ... با خواهان ازدواج کرده‌ام و در زمان عقد فاقد هر گونه نقص و عیبی بوده‌ام . تا اینکه در تاریخ ... این عیب در من حادث شد . لذا با توجه به بروز عیب پس از عقد مستند به ماده ۱۱۲۴ قانون مدنی خواهان حق فسخ نکاح را نداشته ، صدور حکم به رد دعوای مذکور را خواستارم^{۱۷}.

نمونه رأی کیفری

شاکیه : ...

مشکی عنه:.....

موضوع شکایت: فریب در ازدواج

سرپرست محترم دادسرای ناحیه ...

با سلام؛

احتراماً به استحضار می‌رساند،مشکی عنه فوق الذکر،جهت ترغیب موکله (که فارغ التحصیل دانشگاه علوم پزشکی در رشته مامایی است) به ازدواج با خویش،خود را فردی تحصیلکرده و دارای مدرک مهندسی معرفی نموده،به طوری که این امر در سند نکاحیه نیز انعکاس یافته است.این در حالی است که وی،فاقد هر گونه مدرک دانشگاهی می باشد. بنا به مراتب و با توجه به اینکه موکله فردی با تحصیلات دانشگاهی بوده و قصد ازدواج با فردی هم کفو خود را داشته،که با فریب مشکی عنه حاضر به نکاح با ایشان گردیده است،مستنداً به ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی،تعقیب و درخواست کیفر برای متهم مزبور مستدعی است.با ارجاع امر به بازپرسی،پس از تحقیقات لازم،بازپرس عقیده بر مجرمیت متهم پیدا نمود و نتیجتاً دادسرا علیه وی کیفرخواست صادر و جهت تعیین مجازات به دادگاه ارسال نمود.شعبه ۱۰۷۹ محاکم کیفری تهران در رسیدگی به این موضوع ، چنین انشاء رای نمود:

رای دادگاه

به موجب کیفرخواست صادره از ناحیه دادسرای عمومی ناحیه ۴ تهران، آقای متهم است به فریب در ازدواج. با توجه به شکایت خانم با وکالت آقای و گزارش انتظامی، شهادت شهود، اظهارات متهم و محتویات پرونده و قرائن و امارات موجود در پرونده و سند رسمی نکاحیه شماره که در آن شغل زوج مهندس کامپیوتر درج شده است و متهم مدرک مهندسی را ارائه ننموده است و مدارک ارائه شده بعنوان پایان تحصیلات دانشگاهی مهندسی محسوب نمی گردد. لذا بزهدکاریش محرز و مسلم است. مستندا به ماده ۶۴۷ قانون مجازات اسلامی با رعایت بند ۵ ماده ۲۲ همان قانون به لحاظ فقد سابقه کیفری و جهت حفظ کیان خانواده و اینکه حبس زوجه موجب انحلال نکاح خواهد شد و حبس نه تنها موجب تحکیم علقه زوجیت نمی شود بلکه باعث تقویت خصومت و کدورت شده و آثار زیانباری بر پیکره خانواده خواهد داشت، به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می نماید، بدل از حبس. رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد.^{۱۸}

هزینه دادرسی

هزینه‌های دادرسی عبارتند از:

- ۱- هزینه برگه‌هایی که به دادگاه داده می‌شود. (پنج هزار ریال - ۵۰۰۰ ریال)
- ۲- هزینه قرار (رای) و احکام دادگاه، شاخص پرداخت هزینه دادرسی، خواسته دعوا (چیزی که در مرافعه یا امور حسبی اشخاص از دادگاه بخواهند) است و در مورد دعاوی مالی و غیرمالی با هم فرق دارد. در موضوع مورد بحث که یک دعوی غیرمالی است در مرحله بدوی، ۵۰۰۰۰ ریال می‌باشد.^{۱۹}

پیشنهادات

۱ - آگاه نمودن زنان از ماده ۱۱۲۸ ق.م.؛ زیرا در تحقیقات انجام شده، پیرامون این ماده مشاهده گردید، اکثر مردم به خصوص زنان نسبت به این ماده قانونی آگاهی ندارند، لذا در اکثر موارد تخلف از وصف مشروط و تدلیس، زنان جهت پیگیری حقوق خویش تقاضای طلاق می دهند و سعی می کنند، از ماده ۱۱۳۰ ق.م. که جواز طلاق را وابسته به اثبات عسر و حرج در دوام زوجیت می داند، بهره ببرند تا از شوهر خویش جدا شوند، اما به جهت آنکه اثبات عسر

^{۱۸} - www.tafatton.ir

^{۱۹} - بخشنامه اصلاح تعرفه‌های خدمات قضایی مندرج در ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین

و حرج در دوام زندگی مشترک معمولاً دشوار است، نمی توانند از حقوق خویش بهره مند شوند. واضح است که همه باید سعی کنند، این آگاهی بدین جهت باشد تا پسران و دختران، با توجه به تبعات حقوقی کتمان عیوب یا ابراز صفات کمال دروغین، از برخورد غیر صادقانه در امر ازدواج پرهیز کنند .

۲ - بیان وصف مشروط در ضمن عقد؛ وصف مشروط از طریق ثبت قانونی یا شهادت شهود به صراحت بیان شود. این امر از دو جهت قابل اهمیت است .

الف) امکان پیگیری این امر میسر می شود، ولی در صورتی که بنای عقد بر وجود وصف خاصی به عرف و عادت استوار باشد، در مواردی که قضاوت عرف در آن زمینه خاص مورد ابهام است، امکان اثبات شرط وصف میسر نمی باشد .

ب) عدم امکان انکار فرد خاطی در دادگاه: زمانی که اوصاف مشروط به ثبت برسند و شاهدی بر این ثبت وجود داشته باشد، دیگر انکار آن ممکن نیست. زیرا در موارد متعددی مشاهده شده که زن یا مردی با مراجعه به دادگاه ادعا کرده اند، طرف مقابل عیب خود را مخفی داشته، اما او فوراً ابراز می کند که عیب خود را قبل از عقد گفته است و چون صحبت های طرفین، قبل از عقد، بدون حضور شاهد و شفاهی صورت پذیرفته است، اثبات ابراز عیب ممکن نمی باشد. در مورد ابراز صفت کمال نیز همین مشکل وجود دارد، در مواردی زن یا مرد ادعا می کنند که طرف مقابل آنها وصفی را برای خود ابراز نموده، در حالی که فاقد آن وصف است و طرف مقابل نیز ابراز وصف کمال را انکار می نماید، لذا اگر این وصف به صورت مکتوب ثبت، یا در مقابل شهود ابراز نشود، اثبات آن در جلسه خصوصی دو نفره معمولاً میسر نیست .

۳ - اجباری شدن ثبت اوصاف مشروط توسط زوجین در فرم های مخصوص؛ لازم است قبل از ثبت ازدواج برگه هایی تهیه شود و طرفین موظف باشند تا به پرسش های آن پاسخ دهند . این برگه باید به گونه ای تنظیم شود که لزوماً هر یک از طرفین اظهارات مکتوب طرف دیگر را مطالعه نمایند. در این پرسشنامه سئوالاتی در مورد اوصاف اساسی فرد از جمله نام و نام خانوادگی، سن، میزان تحصیلات، نوع شغل، ملیت، مذهب، سابقه ازدواج (و در مورد مردان وضعیت تأهل)، تعداد فرزندان، ابتلا به بیماری خاص و نوع آن، حتی عکس هر دو نیز در آن برگه الصاق شود تا در آینده ادعایی مبنی بر فریب در موارد مربوط به مشخصات ظاهری مطرح نگردد و پس از پاسخ به سئوالات مذکور، زوج و زوجه برگه های یکدیگر را مطالعه نمایند و در انتها آن را امضا نمایند. این امر، اقدامی عملی جهت کاهش فریب در ازدواج خواهد بود .^{۲۰}

نام محقق : خانم زهرالسادات قرشی